

آپیک؛ ابزار صهیونیسم بین‌الملل در آمریکا

ابراهیم رسولی^۱

چکیده

کمیته امور عمومی آمریکا-اسرائیل (آپیک) قدرتمندترین ابزار صهیونیستها در آمریکا است که تأثیر و نفوذ فراوانی بر سیاست داخلی و خارجی این کشور در قبال مسائل گوناگون دارد. یکی از مهمترین حوزه‌های مورد علاقه صهیونیستها، مسئله ایران است. آپیک با تمرکز بر مسائلی مانند مسئله هسته‌ای، تروریسم و تحریم ایران، سعی کرده تا یک اجماع داخلی در آمریکا و یک اجماع بین‌المللی در سطح جهان را علیه ایران به وجود آورده و بدین وسیله حاشیه امنیتی اسرائیل را گسترش دهد، لذا با برگزاری نشست‌ها و کنفرانسهای سالانه در راستای اهداف تخریبی خود علیه ایران، سکویی برای اعمال مواضع صهیونیست‌ها و متعهد کردن آمریکا به حمایت از رژیم صهیونیستی فراهم کرده است. آپیک علیه متحدان ایران مانند سوریه، حزب‌الله و حماس نیز اقداماتی انجام داده تا از این طریق نیز منافع ایران را به خطر اندازد. این پژوهش به بررسی دیدگاهها، مواضع و اقدامات آپیک علیه جمهوری اسلامی ایران از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ در تمام زمینه‌های مطرح شده می‌پردازد.

واژگان کلیدی: صهیونیسم، آپیک، آمریکا، ایران، اسرائیل

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و مخالفت جمهوری اسلامی ایران با موجودیت غاصبانه رژیم صهیونیستی در سرزمینهای اشغالی و همچنین چالش به وجود آمده در روابط ایران و آمریکا، زمینه و فرصت مناسبی را در اختیار صهیونیستها قرار داد تا به ایجاد یک جبهه ضد ایرانی در سطح بین‌المللی و به ویژه در آمریکا (مأمن اول صهیونیستها) بپردازند. یکی از مهمترین و گسترده‌ترین نهادهایی که به طور جدی در این راستا گام برداشت، کمیته امور عمومی آمریکا-اسرائیل (آیپک) بود. آیپک که یک نهاد نیمه رسمی و نیمه دولتی حافظ منافع صهیونیسم بین‌الملل در آمریکا و جهان به شمار می‌رود، از قدرت و نفوذ بالایی برخوردار است. این نهاد صهیونیستی پس از انقلاب اسلامی، همواره در جهت ضرر رساندن به منافع جمهوری اسلامی تلاش کرده اما اتفاقاتی که پس از سال ۲۰۰۰ و در آستانه ورود به هزاره سوم میلادی روی داد، باعث شد به اقدامات و دیدگاههای خود علیه ایران، دامنه و جدیت بیشتری بخشد.

اولین رویداد، روی کار آمدن جرج بوش نامزد افراطی حزب جمهوریخواه و به تبع آن قبضه کردن قدرت از سوی تیم نومحافظه کار وی بود. با روی کار آمدن جمهوریخواهان، صهیونیستها نیز فرصت کافی در اختیار داشته و توانستند حضور گسترده‌ای در دستگاههای قضایی، اجرایی و قانونگذاری آمریکا و دولت بوش داشته و به سیاستهای تهاجمی جرج بوش شدت بیشتری بدهند. علاوه بر این، حضور گسترده آنها در دولت باعث شد، این افراد به عنوان تربیون نهادهای صهیونیستی مانند آیپک در دولت آمریکا عمل کنند. آیپک با استفاده از رویکرد تهاجمی سیاست خارجی آمریکا، تلاش زیادی کرد که ایران را به عنوان یک خاطی، ناقض حقوق بشر و تهدید برای اسرائیل، آمریکا و جهان معرفی کرده و این طرز فکر را در دولت آمریکا و سیاست خارجی این کشور نهادینه کند. (۱)

دومین مسئله‌ای که زمینه را برای سوء استفاده صهیونیستها و آیپک از قدرت آمریکا و جامعه بین‌المللی علیه ایران مهیا کرد، مطرح شدن مسئله هسته‌ای ایران در سطوحی نظیر دولت آمریکا، شورای حکام آژانس انرژی اتمی، شورای امنیت، اتحادیه اروپا و... بود. اگر چه سازمانهای صهیونیستی سالهاست که برنامه هسته‌ای ایران را برای اسرائیل، خاورمیانه و کل جهان، یک تهدید دانسته و آن را به عنوان یک عنصر تبلیغاتی در دستور کار خود دارند اما پس از مطرح شدن پرونده هسته‌ای ایران در نهادهای بین‌المللی، سازمانهای صهیونیستی، آتش اتهامات علیه جمهوری اسلامی ایران را روز به روز شعله‌ورتر ساختند. این سازمانها با اعمال فشارهای واضح از طرق گوناگون به دبیرکل آژانس انرژی اتمی، مانع صدور بیانیه‌های فنی

و علمی از جانب آژانس شدند و همان طور که بیانیه‌های این آژانس نشان می‌دهد رنگ و بوی سیاسی بودن آن با دخالت آمریکا و صهیونیست‌ها، همیشه واقعیات نهفته در آن را به پس پرده رانده و آن را از دیدگان جامعه و افکار عمومی بین‌المللی پنهان کرده است. (۲)

سومین و مهمترین رویدادی که باعث تمرکز سازمانهای صهیونیستی و به ویژه آیپک بر موضوع ایران در سالهای بعد از ۲۰۰۰ شد، حوادث ۱۱ سپتامبر و انفجار برجهای دوقلوی تجارت جهانی به عنوان مهمترین این حوادث بود. حادثه ۱۱ سپتامبر با تقسیم نظام بین‌المللی به ۲ جبهه خیر و شر و مبارزه با تروریسم، فضای کافی و لازم را برای استفاده صهیونیست‌ها و سازمانهای صهیونیستی به ویژه آیپک در جهت بهره‌برداری و تلاش برای پیشبرد اهداف گوناگون فراهم آورد. سازمانهای صهیونیستی با قرار دادن خود در کنار آمریکا و جبهه ضد تروریسم، عملاً به خلق ادبیات جدید مبارزه با تروریسم کمک و به دلخواه خود مصادیق آن را تعریف کردند. تلاش آنها برای درج نام ایران در محور شرارت جرج بوش، شامل ایران، کره شمالی و سوریه کاملاً مشخص است و سازمانهای صهیونیستی به تلاش خود افتخار می‌کنند. (۳)

پژوهش حاضر با طرح این سؤال که «اهداف و برنامه‌های آیپک در قبال ایران پس از سال ۲۰۰۰ از چه ساختار و محتوایی برخوردار بوده است؟»، می‌خواهد این فرضیه را اثبات کند که پس از سال ۲۰۰۰، رویداد؛ روی کار آمدن بوش و جمهوریخواهان، قرار گرفتن برنامه هسته‌ای ایران در دستور کار بین‌المللی و حوادث ۱۱ سپتامبر، باعث شد تا نهادهای صهیونیستی و در صدر آنها آیپک، سیاستها و اقدامات و دیدگاههای مفرضانه خود را علیه جمهوری اسلامی ایران شدت بیشتری بخشند، به نحوی که اقدامات این نهادها بر منافع جمهوری اسلامی ایران بی‌تأثیر نبوده است. این مقاله با تأکید بر کنفرانسها و نشست‌های سالانه آیپک پس از ۲۰۰۰، سعی دارد مواضع این سازمان را غالباً در میان این منابع جست‌وجو و ارزیابی کند.

الف) مبانی نظری: الگوی دولت کورپوراتیستی و جایگاه آیپک در نظام قدرت در آمریکا

در این مقاله ضمن بررسی نظریات مطرح شده پیرامون علل موفقیت آیپک به عنوان مؤثرترین نهاد صهیونیستی آمریکا، پاسخ آن را در بکارگیری صحیح قواعد حاکم بر یک دولت کورپوراتیستی جست‌وجو می‌کنیم. کورپوراتیسم به عنوان یک الگوی جامعه‌شناسی سیاسی در واکنش به الگوی پلورالیسم عرضه شده است. نظریه کورپوراتیسم درباره رابطه دولت مدرن و جامعه مبتنی بر این اصل است که هماهنگی و وحدت طبقاتی لازمه تداوم جامعه است و این هماهنگی وقتی به دست می‌آید که طبقات اجتماعی و به ویژه

سازمانهای نماینده طبقات سرمایه‌دار از حقوق و وظایف خود نسبت به یکدیگر آگاه باشند. به عبارت دیگر، این جامعه مرکب از اجزای مختلف تلقی می‌شود که در بدنه واحدی انسجام یافته باشند، در حالی که در الگوی پلورالیسم فرض بر این است که میان منافع و گروههای مختلف در جامعه بر سر امتیازات سیاسی رقابت وجود دارد و سیاست حامل تأثیرات این رقابتهاست، در الگوی کورپوراتیسم فرض بر این است که حکومتها نمی‌توانند علایق گروههای مختلف را نادیده بگیرند، بلکه ماهیت دولت مستلزم توجه به منافع گروههای مختلف و جمع و تلفیق و تعدیل آنها به منظور حفظ ثبات است.

بر طبق این الگو ساخت سیاسی دولت رفاهی مدرن در جامعه سرمایه‌داری و طبقاتی، مبتنی بر تعدیل و تعادل علایق طبقات و نیروهای مختلف اجتماعی است. در این ساخت که بر طبق نظر کورپوراتیست‌های معاصر، خاص دولتهای مدرن و رفاهی در جوامع سرمایه‌داری پیشرفته است، مکانیسم‌هایی برای نمایندگی علایق گوناگون تعبیه شده است و هر سازمانی انحصار نمایندگی منافع بخش مربوط به خود را در دست دارد. بنابراین، در هر زمینه، یک سازمان تقاضاهایی را عنوان می‌کند و قرارومدارهای آن با دولت موجه و مشروع تلقی می‌شود چنین سازمانهایی اطاعت اعضای خود را جلب می‌کنند و مبنای حمایت از سیاستهای دولت را تشکیل می‌دهند. (۴) در این صورت می‌توان گفت که دو انگاره اصلی یعنی امتیازات انحصاری گروهها در دولت مدرن و تضمین اجرای این سیاستها از طریق تعدیل خواسته‌های گوناگون اقتصادی- اجتماعی، اجزای تشکیل‌دهنده یک دولت کورپوراتیستی است. بنابراین با پذیرش تلاش افراد یا سازمانها برای تثبیت یا تغییر قوانین و تصریح این موضوع در قوانین ایالات متحده، بهره‌برداری از اولین ویژگی یک دولت کورپوراتیستی، به عنوان یکی از منابع قدرت آپیک تلقی می‌شود. (۵)

از سوی دیگر افکار عمومی آمریکا آگاهی و اطلاعات زیادی از خاورمیانه ندارد. به تعبیر «هامیلتون جردن» مشاور امنیت ملی جیمی کارتر، آگاهی مردم از مسائل سیاسی بسیار محدود است، لذا چون حقیقت مسائل به درستی برای مردم روشن نیست، می‌توان مسائل سیاسی را از دیدگاه مشخص برای آنان مطرح ساخت و با نگرش خاصی به آنان القاء کرد. (۶) به همین دلیل نیز صهیونیست‌ها و به ویژه آپیک با استفاده از عدم آگاهی مردم آمریکا پیرامون مسائل سیاست خارجی، از آن در راستای تأمین منافع اسراییل بهره می‌برد. آپیک یکی از سازمان به ثبت رسیده است که مشمول قوانین لابی‌گری در ایالات متحده می‌شود. مطابق این قوانین، آپیک یک سازمان آمریکایی تلقی می‌شود که به سفارت اسراییل وابستگی ندارد و هزینه‌های خود را از طریق دریافت حق عضویت تأمین می‌کند. (۷)

با این حال، توجه به این نکته که این کمیته در سال ۱۹۵۱ توسط «سازمان صهیونیست آمریکا» با هدف تبلیغ منافع رژیم صهیونیستی و تعریف این منافع در راستای منافع ملی آمریکا تأسیس شد، بیانگر پیوند آن با سایر سازمانهای صهیونیستی است. (۸) از سوی دیگر از بدو تأسیس این کمیته، ارتباط آن با سایر سازمانهای یهودی جامعه آمریکا، از طریق حضور رهبران این سازمان در کمیته اجرایی آیپک محقق شد تا کمیته بتواند از طریق سازمانهای یهودی تحت پوشش از قدرت اجرایی لازم فراتر از چارچوب سازمانی خود برخوردار شود. (۹) بنابراین می‌توان به این نتیجه کلی دست یافت که آیپک با استفاده از الگوی دولت کورپوراتیستی و قرار گرفتن در جایگاه یک سازمان آمریکایی قدرتمند، از جایگاه و نفوذ خود برای پیشبرد منافع اسرائیل و جهت‌دهی به سیاستهای آمریکا در منطقه خاورمیانه در راستای سیاستهای آن رژیم بهره می‌گیرد.

برای توضیح الگوی مکانیسم سازمانی آیپک (فضای کورپوراتیستی حاکم بر آمریکا)، کافی است فعالیتهای گسترده آن را به طور مختصر مورد بررسی قرار دهیم. برای توضیح این نوع فعالیتهای می‌توان از موضوعات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بهره برد.

- فعالیتهای سیاسی: مهمترین فعالیت سیاسی آیپک برگزاری کنفرانسهای سالانه‌ای است که در آن به تعیین خط‌مشی‌های کلی کمیته پرداخته می‌شود. اعضای شرکت کننده در این کنفرانسها، از مناطق مختلف در این اجلاس حضور می‌یابند. همچنین از شخصیتها و مقامات سیاسی آمریکا دعوت می‌شود در این کنفرانس سخنرانی کنند. تنظیم این خط‌مشی‌ها، الگویی است که از آن برای حمایت یا ممانعت از پیروزی نامزدها- اعم از کنگره یا ریاست جمهوری- در زمان انتخابات استفاده می‌شود. به طور کلی می‌توان گفت برقراری ارتباط با دست اندرکاران سیاست خارجی آمریکا و تأثیرگذاری بر فرایند تصمیم‌گیری آنها عمده فعالیتهای سیاسی آیپک را تشکیل می‌دهد.

- فعالیتهای فرهنگی: صرف‌نظر از مکانیسم عضوگیری از طریق ایجاد شبکه، برنامه‌های کارآموزی آیپک، یکی دیگر از امکاناتی است که کمیته از آن در راستای تقویت مکانیسم اجرایی خود بهره می‌برد.

- فعالیتهای اجتماعی: انتشار نشریات مختلف از جمله نشریه «تیر ایست ریپورت» و توزیع رایگان آن بین اعضای کنگره، روزنامه‌نگاران و تصمیم‌گیرندگان آمریکا، امکان حمایت از منافع اسرائیل را فراهم می‌آورد. آیپک از طریق ایجاد کمیته‌های تخصصی در مسائل حقوقی، از توانایی بالایی برخوردار است تا در زمان طرح یک مسئله اجتماعی امکان تبدیل آن به مسئله حقوقی فراهم شود.

- فعالیتهای اقتصادی: گرچه این کمیته مجاز نیست کمکهای مالی خود را به صورت مستقیم در اختیار نامزدها قرار دهد، اما ارتباط آن با سایر سازمانهای صهیونیستی و جهت‌دهی کمکهای آن به سوی نامزدها یکی دیگر از مکانیسم‌های مورد استفاده آپیک است. از سوی دیگر سیستم رأی‌گیری الکتروال کالج آمریکا که براساس آن گاهی اوقات چند هزار رأی می‌تواند تعیین‌کننده نتایج انتخابات در سراسر آمریکا شود، به کارگیری آرای یهودیان توسط سازمانهای تحت پوشش آپیک، یکی از مهمترین منابع انسانی این کمیته است که می‌تواند آن را در جهت اهداف سازمانی در اختیار هر نامزد قرار دهد. (۱۰)

ب) آپیک و حمایت از اسرائیل

معرفی آپیک

امروز، صهیونیستها در آمریکا با ایجاد تشکلهای مهم و ارتباط کامل بین منافع آمریکا و صهیونیسم، به یکی از بانفوذترین گروههای تأثیرگذار بر سیاست خارجی آمریکا تبدیل شده‌اند. آنها یکی از اهداف خود را نفوذ در کانونهای قدرت در آمریکا تعیین کرده‌اند. از میان ۲۸۱ سازمان و ۲۵۰ اتحادیه منطقه‌ای، آپیک مادر تمامی سازمانهای صهیونیستی و بزرگترین آنهاست. این سازمان، مسئول هماهنگی و برنامه‌ریزی در جهت فعالیت تمامی سازمانهای صهیونیستی آمریکا و همچنین مسئول اصلی جمع‌آوری کمک و اعانه برای رژیم صهیونیستی است. آپیک همچنین نقش فعالی در انتخابات ایالات متحده داشته و تاکنون مبالغ هنگفتی را به آن عده از نامزدهای انتخاباتی پرداخت کرده که موفقیت آنان برای این اتحادیه بسیار مهم بوده است.

آپیک در اوایل دهه ۱۹۵۰ تحت عنوان نماینده شورای صهیونیستهای آمریکا در واشنگتن شروع به کار کرد. نام این شورا در سال ۱۹۵۴ به «کمیته صهیونیستی آمریکا در امور عمومی» و در سال ۱۹۵۹ تحت فشار گروهها و سازمانهای غیرصهیونیستی به «کمیته امور عمومی آمریکا - اسرائیل» تغییر یافت. در ساختار سازمانی آپیک، مدیر اجرایی نقش کلیدی را در دست دارد ولی پستهای مهم دیگری نظیر معاون مدیر اجرایی، رئیس و معاون ارشد نیز پستهای مهمی به شمار می‌آیند. ساختمان کمیته در «کاخ سفید» واقع در شهر واشنگتن دی سی قرار دارد. این کمیته دارای دفاتر و مراکز منطقه‌ای در سراسر آمریکا و بیت‌المقدس است که مسئول هماهنگی اعضای محلی کمیته با کارکنان مرکزی آن در واشنگتن به حساب می‌آیند. آپیک سالانه کنفرانس‌هایی را برگزار می‌کند و در آنها به تعیین خطمشی کلی کمیته می‌پردازد. این خطمشی‌ها با جلسات و برنامه‌های آموزشی توأم است که محیط مناسبی برای آموزش اعضا و آشنایی آنها با فرایند لابی‌گری

است. (۱۱) لازم به ذکر است که آیپک پس از سال ۲۰۰۰ از گسترش قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده و تعداد اعضا آن با ۶۰ درصد افزایش نسبت به ۵ سال گذشته، به ۱۰۰ هزار نفر رسیده و همین امر باعث تقویت بیشتر این سازمان شده است.

اساس شکل‌گیری نهادهایی مانند آیپک و سایر سازمانهای صهیونیستی پس از تشکیل اسرائیل در سال ۱۹۴۸، حمایت از این رژیم و تقویت بنیه‌های آن برای بقا از طریق حمایت‌های مالی، سیاسی و... است. آیپک و سایر سازمانهای صهیونیستی سعی دارند با ایجاد و تقویت حاشیه امنیتی، بر عمر این رژیم بیافزایند. بنابراین، تمام تلاشهای آنها چه در آمریکا و چه در نظام بین‌الملل در همین راستا توضیح و تفسیر می‌شود. حتی اقدامات شدیدتر آیپک علیه جمهوری اسلامی ایران پس از سال ۲۰۰۰ را هم می‌توان در این جهت تبیین کرد. به طور کلی موضع‌گیری آیپک در قبال اسرائیل را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- کمک به بقای اسرائیل با ادعای تنها دموکراسی خاورمیانه؛

- حمایت از اسرائیل در قبال تهدیدات آتی؛

- تربیت نسل آینده رهبران حامی و طرفدار اسرائیل؛

- آموزش نمایندگان کنگره در مورد روابط اسرائیل و آمریکا؛

- افزایش همکاریهای استراتژیک برای برخورد با تهدیدات تازه؛

- تقویت اسرائیل از طریق کمکهای نظامی؛

- تشویق سیاستمداران آمریکا در جهت بزرگ جلوه دادن خطر تروریسم در منطقه؛

- توسعه روابط ایالات متحده و اسرائیل؛

- حمایت از تبدیل بیت‌المقدس به مرکزیت سیاسی رژیم صهیونیستی؛

- پایان دادن به انزوای اسرائیل در سازمان ملل و... (۱۲).

به استثنای حمایت مبهم توماس داین (از اعضای برجسته آیپک در زمان ریگان) از طرح صلح ریگان که اسرائیل با آن مخالف بود، هیچ اختلافی بین کمیته و اسرائیل وجود نداشته و حتی در آن زمان نیز آیپک موضع خود را تغییر داد. دلیل این همگرایی، حمایت آیپک از احزاب پیروز- (در آمریکا یا اسرائیل) است. حمایت آیپک از اسرائیل صرفاً جنبه اعلامی و حمایت سیاسی نداشته و کمیته مذکور سالانه کمکهای زیادی را از مردم آمریکا برای این رژیم جمع‌آوری می‌کند. علاوه بر این آیپک بارها کنگره آمریکا را وادار به اهدای وام به اسرائیل یا بخشش قرضها و وامهای آن کرده است. (۱۳)

ج) مواضع، دیدگاهها و اقدامات آیهک در قبال جمهوری اسلامی ایران پس از ۲۰۰۰

خصوصت سازمانهای صهیونیستی و در رأس آنها آیهک با جمهوری اسلامی ایران، در بیانات، اقدامات و دیدگاههای مقامات این سازمانها مشهود است. آیهک ایران را یک تهدید جدی برای آمریکا، اسرائیل و سایر متحدان آنها می‌داند و این کشور را چنین تعریف می‌کند: «ایران رهبر دولتهای حامی تروریسم در جهان است، به تأسیس، آموزش و تجهیز گروههای حزبالله، حماس، جهاد اسلامی و سایر گروههای تروریستی کمک کرده و در حال حاضر یک قدرت نظامی پیشرو در خلیج فارس است و به مدرنیزه کردن قابلیت موشکی و گسترش دامنه تسلیحات خود می‌پردازد. ایران خواهان نابودی اسرائیل و جهان بدون آمریکاست» (۱۴).

برای فهم دیدگاهها، مواضع و اقدامات آیهک پس از ۲۰۰۰ به طبقه‌بندی مسائل محوری براساس بازه زمانی در این پژوهش می‌پردازیم. این نوع از تقسیم بندی به ما کمک می‌کند تا به این واقعیت پی ببریم که نهادهای صهیونیستی و درصدر آنها آیهک همواره از بهانه‌ها و رویدادهای گوناگون برای پی‌گیری اهداف خود بهره برده و همزمان با بروز یک اتفاق جدید به طرز ماهرانه‌ای در بطن آن وارد شده و در حین تمرکز بر آن به بهره‌گیری از رویدادهای پیشین نیز ادامه می‌دهند. در اینجا لازم است که قبل از پرداختن به مباحث محوری به میزان اثرگذاری آیهک بر رویکرد آمریکا نسبت به ایران بپردازیم.

به جرأت می‌توان گفت که اگر کلیه سیاستهای آمریکا نسبت به ایران محصول طرز فکر صهیونیست‌ها نباشد، بخش اعظم این تصمیمات و سیاستها از ناحیه صهیونیست‌ها و سازمانهای صهیونیستی متأثر می‌شود. سازمانهای صهیونیستی نه تنها در مورد ایران بلکه در مورد تمام مسائل جهانی و داخلی آمریکا، دیدگاههای خود را اعمال می‌کنند. آیهک به دلیل نزدیکی به مراکز قدرت در آمریکا (مقر آیهک در کاخ سفید است) از قدرت نفوذ بالایی برخوردار بوده و از تمام فرصت‌های ممکن برای به کرسی نشاندن دیدگاههای خود در کنگره و سنا و سایر نهادهای قدرت و تصمیم‌گیری آمریکا استفاده کرده است. بنابراین طبیعی است که رویکرد آمریکا نسبت به ایران تا حد زیادی یک رویکرد صهیونیستی باشد. اغلب قطعنامه‌های کنگره آمریکا (شامل مجلس سنا و نمایندگان) در مورد ایران، یا به ابتکار صهیونیست‌ها بوده یا با حمایت قاطع آنها به تصویب رسیده است. دستگاه وزرات امور خارجه آمریکا نیز با توجه به حضور آنها به ویژه در پست‌های معاونت و سفارت، از دایره نفوذ صهیونیست‌ها و آیهک خارج نبوده و غالب تصمیمات آنها نیز رنگ و بوی صهیونیستی دارد.

نقش نومحافظه‌کاران وابسته به محافل صهیونیستی زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم استراتژی آمریکا در قرن ۲۱ نیز توسط آنان تدوین شده است. به عبارت دیگر طراحان اهداف و سیاستهای دولت بوش با پیوندهایی که در قالب مؤسساتی چون اینترپرایز داشتند، در بهار ۱۹۹۷ طرحی را با عنوان «پروژه‌ای برای قرن جدید آمریکا» راه اندازی کردند که تقریباً همه سیاست‌ها و رفتارهای دولت بوش در آن منعکس شده بود. این پروژه تحت ریاست ویلیام کریستول پسر ایروینگ کریستول از بنیانگذاران جریان نومحافظه‌کاری و مدیریت افرادی مانند «رابرت کیگان»، «دون گافنی کراس»، «بروس جکسون»، «جان بولتون» و... قرار دارد. ریچارد پرل یکی از نومحافظه‌کاران افراطی که در دفاع از منافع اسرائیل و حذف تهدیدهای امنیتی برای این رژیم شهرت بسیار دارد، از جمله افرادی است که موضوع «تغییر رژیم» کشورهای مخالف رژیم صهیونیستی در خاورمیانه و مخصوصاً ایران را به شدت پیگیری می‌کند. وی می‌گوید: «آنها که فکر می‌کنند عراق در صدر فهرست برخورد با تروریسم قرار دارد، باید در رابطه با سوریه، ایران، سودان، یمن، کره شمالی، لبنان و تشکیلات خودگردان نیز فکر کنند» (۱۵) به یمن وجود همین طرح بود که جرج بوش در ۲۹ ژانویه سال ۲۰۰۲ و متعاقب حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، ایران را به همراه عراق و کره شمالی در محور شرارت قرار داد و از آن زمان به بعد تمامی تصمیمات و سیاستهای خود در مورد ایران را براساس همین ایده اتخاذ کرده است.

بنابراین می‌توان گفت تا زمانی که عده زیادی از صهیونیست‌ها در پست‌های حساس تصمیم‌گیری دولت‌های مختلف آمریکا وجود دارند و نفوذ سازمان‌های صهیونیستی مانند آیپک ادامه دارد، نمی‌توان انتظار داشت که روابط ایران و آمریکا - در مسیری متضاد با منافع اسرائیل، شکل بگیرد. به ویژه اینکه پس از روی کار آمدن بوش از سال ۲۰۰۰، حضور آنها در پست‌های مهم قدرت در آمریکا چشمگیر بود. موارد متعددی از تأثیر نفوذ آیپک بر سیاستهای آمریکا در مورد ایران وجود دارد که غالب آنها در سالهای پس از ۲۰۰۰ و در زمان زمامداری جرج بوش بوده است. (۱۶) آیپک اگرچه سالهاست که متهم به جاسوسی برای اسرائیل در مورد مسائل ایران در آمریکاست اما همچنان به نفوذ خود در نهادهای قدرت در آمریکا ادامه داده و با نفوذترین سازمان صهیونیستی در آمریکا به ویژه در مورد مسائل ایران به شمار می‌رود. (۱۷)

۱) ایران؛ موضوع محوری نشست‌های سالانه آپیک:

آپیک سالانه کنفرانسها و نشست‌های مختلفی را برگزار می‌کند که از مهمترین آنها «اجلاس ملی آپیک» عمدتاً در ماه اکتبر و «کنفرانس سیاستگذاری آپیک» غالباً در ماه مارس هر سال برگزار می‌شوند. (۱۸) بررسی این کنفرانسها از آنجا که مهمترین تریبون این نهاد در مورد مسائل گوناگون و به ویژه ایران به شمار می‌روند، ضروری است. آپیک ۲ هدف عمده را از برگزاری این نشست‌ها دنبال می‌کند: اول اینکه فرصتی را فراهم می‌کند تا مواضع خود درباره مسائل مختلف را بیان کرده و آن را به گوش آمریکاییان برساند. در این رابطه، آپیک با دعوت از رهبران صهیونیست‌ها و نظرات آنها در مورد اسرائیل و روابط آمریکا و اسرائیل را به اطلاع افکار عمومی آمریکا می‌رساند که به نوبه خود یک نمایش قدرت هم محسوب می‌شود. دیگر اینکه، با دعوت از سران آمریکا و فراهم کردن حضور آنان در این نشست‌ها، جنبه رسمی به آن بخشیده و سیاستمداران آمریکایی را وادار می‌سازد تا هم در مورد مسائل آپیک، اسرائیل و روابط آمریکا و اسرائیل اندیشیده و نظرات خود را بیان کنند و هم به نوعی از آنها اعتراف می‌گیرد تا بر تعهدات خود نسبت به اسرائیل و حفظ امنیت آن تأکید کرده و علیه آنچه صهیونیست‌ها آنها را تهدید می‌نامند، جبهه‌گیری کنند.

دعوت از سران اسرائیل مانند رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، وزیران و مقامات ارشد دفاعی و همچنین دعوت از رؤسای جمهوری و وزرای امور خارجه و نمایندگان کنگره آمریکا، از برنامه‌های آپیک در این نشست‌ها است. در این نشست‌ها که پس از سال ۲۰۰۰ نیز تاکنون هر ساله برگزار شده‌اند یکی از اصلی‌ترین موضوعات، «تهدید ایران» بوده و تمام سخنرانان در مطالب خود مسئله ایران را نیز مطرح کرده و درباره آن موضع‌گیری کرده‌اند.

۲) طرح اتهام حمایت ایران از تروریسم (پس از ۱۱ سپتامبر)

حملات ۱۱ سپتامبر خود بهانه‌ای برای تقسیم دنیا به ۲ جبهه تروریسم و ضدتروریسم توسط بوش بود. قرار دادن ایران در محور شرارت از سوی بوش نیز بهانه‌ای برای صهیونیست‌ها و آپیک برای استفاده از این موقعیت علیه ایران بود. آپیک در یک مقاله تحت عنوان «ایران از تروریسم حمایت می‌کند»، به طرح دیدگاهها و مواضع خود در مورد ایران و مسئله تروریسم پرداخته که بررسی آن می‌تواند در تبیین نگرشهای آپیک به ایران کمک کند. آپیک می‌نویسد: «رژیم افراطی ایران از تروریسم علیه آمریکا، اسرائیل و جهان غرب طی دهه‌های متمادی حمایت کرده است. وزارت امور خارجه آمریکا بارها ایران را به عنوان دولت حامی

تروریسم معرفی کرده که از گروههایی مانند حماس، حزب‌الله و جهاد اسلامی حمایت می‌کند. ایران در سالهای اخیر نیز به ناامنی در عراق کمک کرده، به تجهیز طالبان پرداخته و مکانی را برای تروریست‌های القاعده فراهم کرده است. جمهوری اسلامی در طول تاریخ خود از تروریسم حمایت کرده و با پیگیری برنامه‌های خود برای سلاح‌های هسته‌ای، به این مسئله شدت بیشتری بخشیده است. لذا فقط یک تلاش بین‌المللی متحد و پی‌گیر برای منزوی کردن و تحریم ایران، می‌تواند به مهار آن کمک کند. (۱۹)

آیپک با چنین نگرشی نسبت به ایران که بسیار افراطی‌تر از دیدگاه غرب و آمریکا نسبت به رابطه ایران و آنچه گروههای تروریستی نامیده می‌شود، است بارها به دامن زدن جنجال بین‌المللی علیه ایران کمک کرده و یکی از حامیان این گونه جنجالها بوده است. آیپک با تروریستی خواندن اقداماتی مانند تسخیر سفارت آمریکا در ایران (لانه جاسوسی) در سال ۱۹۷۹ و گروگانگیری ۵۲ آمریکایی، با استناد به گزارش وزارت امور خارجه آمریکا در سال ۲۰۰۶، نهادهایی چون: سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات ایران را به دست داشتن در اقدامات تروریستی متهم می‌کند. آیپک همچنین از ادبیات قدیمی دخالت ایران در هواپیمارایی و حمله به نیروهای آمریکایی در لبنان و عربستان، ربودن آمریکاییها و اروپاییها و بمب‌گذاری‌های گوناگون نیز حمایت می‌کند.

آیپک در این مقاله که به گونه‌ای دیدگاههای رسمی آن درباره ایران را منعکس می‌کند، می‌نویسد: «ایران یکی از پایه‌گذاران جنگ حزب‌الله علیه اسرائیل در تابستان سال ۲۰۰۶ بود و به خاطر کمک‌های ایران به سید حسن نصرالله بود که این گروه توانست روزانه بین یک تا ۳ هزار راکت به سوی اسرائیل شلیک کند... علاوه بر حمایت از حزب‌الله، ایران همچنین به تجهیز گروههای تروریستی فلسطینی مانند حماس و جهاد اسلامی در فلسطین می‌پردازد و کمک‌های مالی و تجهیزاتی آن کشور به این گروهها چشمگیر بوده است. به همین خاطر آمریکا و جهان نباید اجازه دهند که ایران به سلاحهای هسته‌ای دست پیدا کند.» (۲۰)

اتهامات آیپک در مورد حمایت ایران از تروریسم، در نشستهای سالانه آیپک (به عنوان اسناد بکار رفته در این پژوهش) پس از رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نیز کاملاً مشهود بوده است. مسئله تروریسم، موضوعی نبود که آیپک از کنار آن به سادگی عبور کند بلکه آن را دستمایه قرار داد تا دشمنی دیرینه خود را با جمهوری اسلامی آشکارتر سازد. آیپک از ۶ الی ۷ اکتبر ۲۰۰۲ میزبان اجلاس ملی در آتلانتا بود که یکی از بخشهای عمده آن ارائه اطلاعات و تحلیلهای به روز، درباره بحرانهای خاورمیانه و طرح اتهام تروریسم علیه ایران بود. (۲۱) در کنفرانس سال ۲۰۰۳ نیز کالین پاول وزیر امور خارجه وقت آمریکا با محوریت بخشیدن به موضوع ایران، گفت: «اکنون زمان آن رسیده که جامعه بین‌المللی، ایران را تحت فشار قرار دهد تا به حمایتش از

تروریستها، از جمله گروههایی که سرسختانه با اسرائیل و روند صلح خاورمیانه مخالفت می‌ورزند، خاتمه دهد» (۲۲) در کنگره آپیک در سال ۲۰۰۵ نیز شارون به نمایندگی از اسرائیل و آپیک، ایران را به حمایت از تروریسم متهم کرد. (۲۳) در اجلاسهای بعدی آپیک، اگرچه همزمان اتهام حمایت از تروریسم توسط ایران، از سوی سخنرانان تکرار می‌شود اما بیشتر، بر موضوعاتی مانند برنامه هسته‌ای و تحریم ایران در دستور کار آپیک قرار گرفتند. در واقع می‌توان چنین گفت که سیاستهای خصمانه آپیک و موضوعات جدید بلافاصله از طرف سیاستگذاران آپیک به عنوان حربه‌ای علیه جمهوری اسلامی به کار می‌روند. در مورد میزان و اهمیت موضوع اتهام حمایت ایران از تروریسم در بررسی نشستهای آپیک نیز می‌توان به این نتیجه رسید که موضوع ایران و به ویژه مسئله تروریسم در کنار موضوع حمایت آمریکا از اسرائیل و صلح فلسطین - اسرائیل، همواره از مباحث محوری بوده است.

۳) بزرگنمایی و تخریب و جاهت برنامه هسته‌ای ایران (پس از سال ۲۰۰۳)

آپیک دیدگاههای خود را در مورد برنامه هسته‌ای ایران چنین بیان می‌کند: «تداوم برنامه هسته‌ای ایران یک تهدید برای آمریکا، اسرائیل و جامعه بین‌المللی است. ایران به سرعت به سمت توانایی ساخت سلاح هسته‌ای پیش می‌رود. برنامه غنی‌سازی اورانیوم به این کشور توانایی ساخت سلاحهای هسته‌ای را در نزدیکترین زمان ممکن می‌دهد. یک ایران هسته‌ای، تهدید مستقیمی برای منافع امنیت ملی آمریکا و تغییر اساسی موازنه استراتژیک در خاورمیانه است. ایران همچنین قبلاً به توانایی ساخت موشک‌های شهاب با قابلیت تهدید اسرائیل، نیروهای آمریکایی در منطقه و متحدان اروپایی آن دست یافته و در طول دهه آینده نیز به موشک‌های قاره پیما دست خواهد یافت که می‌تواند آمریکا را نیز هدف قرار دهد. وجود سلاحهای هسته‌ای، رژیم بنیادگرای تهران را قادر خواهد ساخت تا سیاست خارجی رادیکال‌تری را در پیش گیرد و به متحدان تروریست خود کمک کند. دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای به معنی شروع یک مسابقه تسلیحاتی هسته‌ای در منطقه خاورمیانه خواهد بود و این به معنی بی‌اثر شدن پیمان منع گسترش و خطرناکتر شدن جهان است» (۲۴)

نگرش آپیک در مورد ایران و فعالیتهای هسته‌ای آن کاملاً صهیونیستی است. آپیک تمام برنامه‌ها، اقدامات و مواضع خود را در چارچوب این نگرش تنظیم کرده و با جعل تهدیدات هسته‌ای ایران برای اسرائیل و جهان، سعی دارد اهداف جاه‌طلبانه خود مبنی بر منزوی ساختن ایران، ایجاد دیوار امنیتی به دور اسرائیل و

متشنج کردن جو داخلی آمریکا و نظام بین‌المللی به منظور بهره‌برداری اسرائیل را محقق کند. آیپک بارها و بارها مقالات متعددی را در مورد به اصطلاح خطر تهدید هسته‌ای ایران منتشر کرده و اقدامات زیادی را نیز در این زمینه انجام داده است که عمده آنها پس از سال ۲۰۰۰ و مطرح شدن برنامه هسته‌ای ایران در آژانس انرژی اتمی و شورای امنیت بوده است. آیپک در مقاله‌ای در سال ۲۰۰۳ تحت عنوان تهدیدهای هسته‌ای علیه اسرائیل چنین بیان می‌کند:

«در شرایطی که تعداد زیادی از رژیم‌های متخاصم خاورمیانه، به توسعه تسلیحاتی که قادر به هدف قرار دادن اسرائیل باشند، ادامه می‌دهند، اسرائیل با خطر فزاینده‌ای روبرو می‌شود. ایران در آستانه تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر است. در شرایطی که امروز به عراق و فعالیتهای آن در زمینه توسعه تسلیحات کشتار جمعی توجه زیادی می‌شود، بسیاری از تحلیل‌گران و مقامات آمریکایی و اسرائیلی معتقدند که تهدیدات ناشی از ایران رو به افزایش است. ایران آشکارا از نابودی اسرائیل حمایت می‌کند و برای دستیابی به این هدف، علاوه بر فعالیت‌های دیگر، تلاش می‌کند در مورد موشک‌های زمین به زمین که قادر است اسرائیل را هدف قرار دهد و نیز کلاهک‌های مختلف این موشکها از جمله کلاهک‌های اتمی به یک قابلیت استراتژیک دست یابد، آمارهای بدتر نشان می‌دهد که تهران طی ۳ الی ۵ سال به قابلیت در زمینه تولید تسلیحات اتمی دست می‌یابد و در صورتی که ماده شکاف‌پذیر از منابع خارجی تهیه شود، دوره مذکور کوتاهتر خواهد بود. در همین حال، ایران با همکاری روسیه به ساخت یک راکتور اتمی در بوشهر ادامه می‌دهد. اگر ایران بتواند پس مانده سوخت مصرف شده توسط راکتور را در اختیار گیرد، این خطر وجود دارد که پلوتونیوم را از آن استخراج و در ساخت بمب به کار گیرد. تاکنون، تلاش‌های ایران در جهت توسعه موشک‌های بالستیک، منجر به ساخت موشک‌های کوتاه‌برد شده است که اکنون در اختیار حزب‌الله قرار دارد و موشک‌های شهاب با برد متوسط که می‌تواند اسرائیل را از خاک ایران هدف قرار دهد. تهران، همچنین اخیراً از توسعه موشک‌های دوربرد شهاب ۳ خبر داده که به ویژه به منظور هدف قرار دادن اسرائیل ساخته شده است. همچنین اظهاراتی وجود دارد که حاکی از آن است که ایران، انتقال موشک‌های شهاب ۳ به سوریه را بررسی کرده است. اگر این موشکها به سوریه انتقال یابد، تهدیدات ناشی از آن برای اسرائیل نیز افزایش می‌یابد.» (۲۵)

همچنین در کنفرانس سیاستگذاری آیپک در سال ۲۰۰۳ که با حضور مقاماتی چون کالین پاول وزیر امور خارجه وقت آمریکا، شیمون پرز رئیس‌جمهور و سیلوان شالوم وزیر امور خارجه اسرائیل برگزار شد، پاول آشکارا مسئله هسته‌ای ایران را مطرح ساخت. او تأکید کرد که تهران باید تلاش برای دسترسی به سلاحهای

کشتار جمعی را متوقف کند. (۲۶) در کنگره آبیگ در سال ۲۰۰۵، شارون به نمایندگی از اسرائیل و آبیگ گفت: جرح و جوش در مورد خطر مجهز شدن ایران به سلاح اتمی با ما هم نظر است و باید در مقابل آن ایستاد. (۲۷) در همین کنفرانس، رایس نیز به موضوع برنامه هسته‌ای ایران اشاره و بر ضرورت عدم اعطای اجازه بین‌المللی به ایران برای ساخت بمب اتمی! تأکید کرد. (۲۸) رئیس آبیگ نیز ضمن یادآوری تلاش اروپا برای کنار آمدن با مسئله هسته‌ای ایران گفت: «ایرانیها، یک تهدید بزرگ برای آمریکا و ثبات منطقه و اسرائیل محسوب می‌شوند و ما نباید اجازه دهیم که اروپا خلاف منافع ما در رابطه با ایران گام بردارد. (۲۹)

آبیگ که مبارزه با فعالیت‌های هسته‌ای ایران را در صدر اولویت‌های خود قرار داده است به عنوان یکی از اقدامات دیگر در کنفرانس سالانه خود که در ماه مارس ۲۰۰۵ برگزار شد، راههای متقاعد کردن قانونگذاران و دولت آمریکا برای تداوم موضع انعطاف‌ناپذیر در قبال ایران و هدایت تلاشهای بین‌المللی در راستای جلوگیری از برنامه هسته‌ای تهران را مورد بحث و بررسی قرار داد. (۳۰)

آبیگ یکی از حامیان جدی ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت است و در این مسیر نیز تلاشهای زیادی را به کار گرفت. در یکی از این تلاشها در سال ۲۰۰۵، از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درخواست کرد تا پرونده ایران را به دلیل تلاش برای دستیابی به سلاحهای هسته‌ای، به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع دهد. آبیگ با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد، بسیار مایوس‌کننده است اگر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نتواند پرونده ایران را به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع دهد. آبیگ در بیانیه خود افزود: دیگر زمان به پایان رسیده است، جامعه بین‌الملل باید به سختی تلاش کند تا اطمینان حاصل کند، ایران اجازه نخواهد داشت به قابلیت تولید سلاح هسته‌ای دست یابد یا اینکه چنین قابلیتی از جانب سایرین برای این کشور فراهم شود. (۳۱)

از جمله مباحث اصلی کنفرانس سالانه آبیگ در سال ۲۰۰۶ که آبیگ از آن به عنوان بزرگترین کنفرانس سیاسی معاصر نام برده است، لزوم متوقف کردن برنامه‌های هسته‌ای ایران بود. در برنامه‌های «چالش جهانی: جامعه جهانی چگونه می‌تواند ایران را متوقف کند؟»، «شمارش معکوس: برای متوقف ساختن ایران چه می‌توان کرد؟»، «جلوگیری از فاجعه: گزینه‌های موجود برای متوقف ساختن برنامه هسته‌ای ایران»، «تغییر استراتژیک: یک ایران هسته‌ای برای دنیا به چه معناست» و... سخنرانان به ارائه دیدگاههای خود در مورد برنامه هسته‌ای ایران پرداختند. وزن این برنامه‌ها در مورد برنامه هسته‌ای ایران نسبت به موضوعات

دیگر بسیار بیشتر بود. (۳۲) در همین سال هاوارد کوهر مدیر اجرایی آیپک، دولت کنونی ایران را به رژیم نازی تشبیه و تأکید کرد که نباید از توفانی که روز به روز به ما نزدیکتر می‌شود غافل ماند. (۳۳)

در سال ۲۰۰۷ باز هم ایران در صدر نشستهای آیپک قرار گرفت و برنامه هسته‌ای ایران محور اظهارات و دیدگاههای مطرح شده بود. اولمرت و زیبی لیونی نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه اسرائیل و دیک چنی معاون رئیس‌جمهور آمریکا، همگی به برنامه هسته‌ای ایران اشاره کرده و خطر آن را جدی ارزیابی کردند که به طور مشخص از دیدگاههای القا شده توسط رهبران آیپک نشأت می‌گرفت. (۳۴) همچنین تلاشهای آیپک، منجر به تصویب قطعنامه ضد گسترش هسته‌ای ایران (S.970) در کنگره آمریکا شد. این موارد شامل موضوعاتی مانند اجرای جدی‌تر قوانین تحریمها علیه ایران، بازنگری در همکاریهای هسته‌ای با روسیه، منزوی ساختن ایران از مؤسسات مالی بین‌المللی و... بود. (۳۵) از دیگر اقدامات آیپک در مورد برنامه هسته‌ای ایران، واکنش جدی این سازمان به گزارش نهادهای امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۰۷ مبنی بر تأیید توقف برنامه‌های هسته‌ای ایران از سال ۲۰۰۳ و تیرئه شدن این کشور بود. (۳۶)

در نشستهای سال ۲۰۰۸ نیز رهبران آمریکا و اسرائیل با حضور در جمع آیپک به طرح دیدگاههایی در مورد برنامه هسته‌ای ایران پرداختند که در مقایسه با سایر مباحث از دامنه بیشتری برخوردار بود. کاندولیزا رایس در این باره گفت: ایران هنوز یک تهدید جدی است زیرا دارای یک ایدئولوژی انقلابی است. اگر ایران از برنامه هسته‌ای خود دست بکشد من حاضرم با همتایان ایرانی خود در هر جا، هر وقت و بر سر هر مسئله‌ای دیدار کنم. (۳۷)

در همین کنفرانس، ۲ نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا نیز، در کنگره آیپک حضور یافتند و سخت‌ترین انتقادهای را از ایران و برنامه هسته‌ای این کشور ابراز داشتند. مک کین نامزد جمهوریخواهان گفت: نباید اجازه دهیم که ایران به سلاحهای هسته‌ای دست پیدا کند زیرا تلاش ایران باعث ترغیب ترکیه، مصر، عربستان و سایر کشورهای منطقه برای گام نهادن در مسیر هسته‌ای شدن می‌شود. (۳۸) اما سخنان باراک اوباما نامزد دموکراتها- که امروز چهل و چهارمین رئیس‌جمهور آمریکاست- نیز از چنان شدتی برخوردار بود که می‌توانست نظر موافق صهیونیستها و آیپک را به خود جلب کند. وی گفت: «ایران بزرگترین چالش و تهدید آمریکا و اسرائیل در خاورمیانه است. ایران در صدد دستیابی به توانمندی هسته‌ای است که می‌تواند یک رقابت خطرناک تسلیحاتی را در سراسر منطقه خاورمیانه راه بیندازد و احتمال انتقال آن به تروریستها را افزایش می‌دهد». (۳۹)

همچنین در سال ۲۰۰۸ در سایت خبری آپیک خطاب به مردم آمریکا آمده است: دست به کار شوید. اگر می‌خواهید برای آینده اسرائیل کاری انجام داده باشید از نمایندگان خود در کنگره بخواهید تا از موضوعات مهمی همچون توقف برنامه هسته‌ای ایران حمایت کنند. از نماینده خود در کنگره بخواهید از دولت بخواهد تحریمهای شدیدتری را علیه ایران اعمال کند. زمان آن رسیده که از دسترسی تروریسم به سلاحهای اتمی جلوگیری شود و به این منظور آمریکا باید تحریمهای شدیدتری را علیه این کشور اعمال کند، این تحریمها می‌تواند در بخش انرژی ایران یا جلوگیری از فروش فرآورده‌های نفت تصفیه شده به ایران باشد که ۴۰ درصد بنزین و سوخت فسیلی این کشور را تأمین می‌کند. (۴۰)

آپیک حتی در موضوع برنامه هسته‌ای ایران، اقدام به جاسوسی از آمریکا کرده و متهم است که اطلاعاتی در مورد برنامه هسته‌ای ایران را که محرمانه بوده در اختیار سفیر اسرائیل در آمریکا قرار داده است و پرونده این اتهام هنوز هم بدون نتیجه در دادگاههای آمریکا پی‌گیری می‌شود. (۴۱) آپیک هنوز هم یکی از مخالفان برنامه هسته‌ای باقی مانده و از این موضوع برای ایجاد یک جبهه بین‌المللی و به ویژه آمریکایی علیه ایران بهره می‌برد. در سال ۲۰۰۸ نیز دیدگاههای آپیک نسبت به برنامه هسته‌ای ایران تهاجمی و افراطی‌تر شده است و این فرصتی است که آمریکا با مطرح ساختن برنامه هسته‌ای ایران به عنوان یک تهدید، آن را در اختیار آن سازمان قرار داد. آپیک در سال ۲۰۰۸ می‌نویسد: «مذاکره بین ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی منجر به شکست خواهد بود. فعالیتهای هسته‌ای ایران نیز روز به روز جدی‌تر می‌شود و آژانس هیچ برنامه‌ای برای اقدام علیه آن ندارد و این تعلق آژانس منجر به دسترسی ایران به سلاح هسته‌ای از طریق غنی‌سازی اورانیوم می‌شود. ایران همچنان قطعه‌نامه‌های ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ شورای امنیت سازمان ملل را نقض می‌کند... تحریمهای وضع شده علیه برنامه هسته‌ای ایران تاکنون سودمند نبوده و نیازمند یک تلاش همه جانبه و بین‌المللی برای مقابله با این کشور است... ایالات متحده باید در صدر کشورها و سازمانهای جهان، تحریمهای شدیدتری را علیه ایران اعمال کنند...» (۴۲)

با تمام این تفاسیر در مورد دیدگاهها و اقدامات آپیک علیه برنامه هسته‌ای ایران می‌توان به تحلیل زیر دست یافت: اولاً باید توجه داشت که برنامه هسته‌ای ایران به لحاظ اهمیت از اولویت موضوعی برای آپیک برخوردار است یعنی میزان حساسیتی که آپیک نسبت به این مسئله دارد بسیار بالاتر از موضوعات دیگر مانند اتهام تروریسم و تحریم یا تهدید اسرائیل است زیرا این مسئله بیشتر جنبه عملی داشته و اقدامات آپیک می‌توانسته یک اجماع داخلی در آمریکا و یک اجماع بین‌المللی را علیه ایران به وجود آورد. ثانیاً تبلیغات و

فعالیت‌های آیپک علیه برنامه هسته‌ای ایران که از سال ۲۰۰۳ به طور جدی مطرح شده، هنوز هم ادامه داشته و از اهمیت آن کاسته نشده است زیرا یک ابزار تبلیغاتی مناسب برای صهیونیست‌هاست. ثالثاً اهمیت و وزن موضوع هسته‌ای، در مقایسه با سایر موضوعات مطرح شده در نشست‌های آیپک مانند حمایت آمریکا از اسرائیل و صلح فلسطین - اسرائیل، هرگز کمتر نبوده است.

۴) تمرکز بر تهدیدات ضداسرائیلی ایران (بعد از روی کار آمدن دولت نهم)

با روی کار آمدن دولت محمود احمدی‌نژاد در ایران و اظهارات ضداسرائیلی و ضدصهیونیستی وی، آیپک و سایر سازمان‌های صهیونیستی درصدد برآمدند تا از این فرصت نیز نهایت استفاده را برده و جبهه جدیدی را علیه منافع جمهوری اسلامی ایران بگشایند. شارون در کنفرانس سال ۲۰۰۵ آیپک، ضمن اشاره به تهدیدات محمود احمدی‌نژاد گفت: اسرائیل کشوری است که برای صلح تلاش می‌کند و آمریکا بایستی از این کشور حمایت کند. (۴۳) در سال ۲۰۰۶ نیز سخنرانان نشست‌های آیپک جملگی بر چگونگی جلوگیری از تهدید ایران برای اسرائیل و جهان با استناد به سخنان رئیس‌جمهور ایران پرداختند. جان بولتون ضمن ارسال پیام شدیدالحنی به ایران، اظهار داشت با استفاده از تمام ابزارهای ممکن، باید مانع تداوم تهدیدات از سوی دولت ایران شد. (۴۴) در همین کنفرانس، کوهر مدیر اجرایی آیپک گفت: «تشابه دولت احمدی‌نژاد با رژیم نازی، تشابهی است که رهبران جهان نباید آن را نادیده بگیرند.» (۴۵)

در کنفرانس سال ۲۰۰۷ آیپک نیز هوارد فریدمن رئیس آیپک گفت: ایران هولوکاست را انکار می‌کند و خواهان هولوکاست دیگری است. (۴۶) در نشست سال ۲۰۰۸ نیز، اولمرت ایران را جدی‌ترین و نزدیک‌ترین تهدید برای ثبات و امنیت جهانی دانست. (۴۷) رایس نیز اظهار داشت حکومتی که هولوکاست را انکار می‌کند، نباید به تجهیزات هسته‌ای دست پیدا کند. (۴۸) صهیونیست‌ها و آیپک که خود از وضعیت پیش آمده متعاقب سخنان احمدی‌نژاد در مورد هولوکاست و اسرائیل به سوء استفاده پرداخته بودند زمینه را برای باراک اوباما مهیا کردند تا وی نیز به طرح اتهام خود علیه ایران بپردازد. وی در سخنرانی خود گفت: «رئیس‌جمهور ایران، هولوکاست را انکار کرده و محو اسرائیل از روی نقشه را مطرح ساخته است، بنابراین خطر ایران بسیار بزرگ و واقعی است.» (۴۹)

در مجموع می‌توان گفت که وضعیت پیش آمده متعاقب سخنان رئیس‌جمهور ایران در مورد هولوکاست و اسراییل یک وضعیت غیرمنتظره برای صهیونیستها بود که بهره‌برداری زیادی از آن صورت گرفت. آپیک آن را به عنوان مکمل خطر برنامه هسته‌ای ایران بکار برد و تبلیغات وسیعی را راه‌اندازی کرد.

۵) تمرکز بر گزینه تحریم (پس از طرح احتمال حمله نظامی به مراکز هسته‌ای ایران)

موضوع تحریم ایران یکی دیگر از مهمترین موضوعات مورد علاقه آپیک پس از سال ۲۰۰۰ به شمار می‌رود. آپیک همیشه فراز و نشیب این تحریمها را دنبال کرده و بارها کنگره آمریکا را وادار به تصویب قطعنامه‌های گوناگون علیه ایران کرده و از تحریمهای بین‌المللی علیه ایران نیز همواره استقبال کرده و از هیچ تلاشی در این راستا خودداری نکرده است. آپیک در مورد تحریم ایران معتقد است: «تحریمهای یکجانبه آمریکا علیه ایران در محدود سازی دسترسی ایران به سیستم مالی بین‌المللی موفق خواهد بود زیرا این امر، تجارت با تهران را بسیار پرهزینه و وقت‌گیر می‌کند. تهدید تحریم شرکت‌های حاضر در بخش انرژی ایران از جانب آمریکا به همراه تحریمهای بیشتر شورای امنیت باعث فشار روشنفکران ایرانی به رهبر ایران برای اخطار به احمدی نژاد می‌شود. آمریکا همچنین با تحریم بانکهای ایرانی اعم از مرکزی و... می‌تواند نقش مهمتری را در تحریم ایران ایفا کند. آمریکا باید به طور جدی‌تر به قانون تحریم شرکت‌های سرمایه‌گذار در عرصه انرژی ایران که بالغ بر ۲۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری می‌کنند، عمل کند و رهبری یک تحریم بین‌المللی علیه ایران را در دست بگیرد.» (۵۰)

در نشستهای سالانه آپیک، تحریم ایران همواره یکی از گزینه‌هایی بوده که همگام با ادبیات حمله به ایران مدنظر بوده و حداقل به عنوان یک گزینه همیشه مطرح بوده است. مخصوصاً از آنجا که آمریکاییها هیچ علاقه‌ای برای حمله به ایران از خود نشان نمی‌دهند، تحریم یک گزینه حداقل مطلوب برای آپیک محسوب می‌شود. اگرچه گزینه تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران از سوی دولت آمریکا و برخی دولتهای اروپایی از زمان انقلاب اسلامی رایج است اما با مطرح شدن برنامه هسته‌ای ایران، شکل جدی‌تری به خود گرفته و آپیک نیز با مرتبط ساختن برنامه هسته‌ای ایران با امنیت اسراییل و آمریکا، به شدت از این گزینه استقبال کرده است.

بحث تحریم ایران در نشستهای سال ۲۰۰۶ به بعد آپیک به طور جدی و گسترده مطرح شد. آپیک در سال ۲۰۰۶ به دنبال راه‌حلی برای توقف برنامه هسته‌ای ایران بود. در این کنفرانس آپیک به شدت به دنبال

راههای متقاعد کردن قانونگذاران و دولت مردان آمریکا برای تداوم موضع انعطاف ناپذیر در قبال ایران و هدایت تلاشهای بین‌المللی در راستای جلوگیری از برنامه هسته‌ای تهران بود. (۵۱) در همین سال و در اجلاس ملی آیپک، جان مک کین موضع تندی علیه ایران ایراد کرد و ضمن تهدید خواندن ایران، از جامعه بین‌الملل خواست که بر شدت تحریمها بیافزایند. (۵۲) در نشستهای سال ۲۰۰۷ نیز زبیبی لیونی خواستار تحریمهای جدی‌تر سازمان ملل علیه ایران شد و خطاب به کسانی که این تهدید را حس می‌کنند (منظور وی کشورهای اروپایی بود) اما به علت منافع اقتصادی و سیاسی در تصمیم‌گیری در این مورد تردید دارند. گفت: تاریخ تکرار خواهد شد. (۵۳) در کنفرانس سال ۲۰۰۸ هوارد فریدمن به نمایندگی از آیپک در این باره گفت: «تحریمهای بین‌المللی اقتصادی و سیاسی، نقش حیاتی در مهار ایران دارند و باید شدت بیشتری بیابند. تحریمها باید تعریف شده و مشخص باشند. تحریمهای سازمان ملل می‌توانند تأثیرات بیشتری داشته باشند اما تمام کشورها به طور جداگانه نیز باید ایران را تحریم کنند.» (۵۴)

در مجموع دیدگاه‌های آیپک در مورد برنامه هسته‌ای ایران به ویژه موضوع تحریم ایران به خاطر تداوم برنامه‌های هسته‌ای، بیشتر از سایر گزینه‌ها مانند جنگ آمریکا علیه ایران مطرح بوده است. زیرا آیپک معتقد است که تحریمها «موثر» خواهند افتاد. به عقیده سران آیپک، «تحریم بخش بانکی ایران می‌تواند دسترسی ایران را به تجارت بین‌المللی محدود کند. همین امر هزینه همکاری شرکت‌های تجاری خارجی با ایران را به میزان ۱۰ تا ۲۰ درصد بالا برده و از ادامه همکاری با این کشور منصرف می‌سازد. تحریم ایران در بخش انرژی بسیار کارآمدتر خواهد بود اما بسیاری از شرکت‌های بزرگ موارد تحریم را رعایت نمی‌کنند... تحریمها باعث پنهان کاری فعالیتهای ایران و در نتیجه درجه بالای ریسک‌پذیری همکاری سایر کشورها با ایران می‌شود... البته این تحریمها نتیجه بخش بوده و در اعتراضهای داخلی علیه سیاستهای محمود احمدی‌نژاد به ویژه از جانب سیدمحمد خاتمی رئیس‌جمهور سابق و [آیت‌الله] خامنه‌ای رهبر ایران، خود را نشان داده است.» (۵۵)

آیپک نه تنها از تحریمهای شورای امنیت علیه ایران استقبال کرده بلکه همواره کشورهای گوناگون را به عدول از این قطعنامه‌ها متهم کرده و می‌نویسد: «تحریمهای شورای امنیت اجرایی نشده‌اند. شرکت‌های بین‌المللی همچنان با بانک‌های مورد تحریم ایران، همکاری می‌کنند این در حالی است که قطعنامه ۱۹۳۷ خواستار توقیف دارایی‌هایی این بانکها شده است. کشورهای گوناگون همچنان به ارسال سلاح به ایران

می‌پردازند و این کشور به فعالیتهای هسته‌ای خود ادامه می‌دهد... شرکت‌هایی از کشورهای چین و روسیه از ناقضان اصلی قطعنامه‌های تحریم سازمان ملل به شمار می‌روند.» (۵۶)

آیپک با ناامید شدن از اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت و عدم پیروی کشورهای مختلف از خواسته‌های آمریکا و صهیونیست‌ها، از آمریکا می‌خواهد که خودش به طور یکجانبه و جدی‌تر به تحریم ایران بپردازد و می‌نویسد: «آمریکا باید شرکت‌های خارجی سرمایه‌گذار در ایران را تحریم و سرمایه‌های خود را از این شرکت‌ها خارج کند... آمریکا باید بانکهای خارجی که با بانکهای ایرانی مورد تحریم ارتباط دارند را تحریم کند تا به این وسیله بانکها خارجی ادامه روابط با ایران را زیان آور ببینند و...» (۵۷)

در نیمه دوم سال ۲۰۰۸ نیز آیپک از مطرح شدن قطعنامه‌های دیگری در رابطه با تحریم ایران خبر داد. این قطعنامه به شماره H.Con.Res 362 در مجلس نمایندگان و شماره S.Res.580 در سنا مطرح شد و خواستار موارد زیر است: «این قطعنامه به منظور جلوگیری از دستیابی ایران به توانایی سلاح‌های هسته‌ای از طریق تمام ابزارهای اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک مطرح شده است. تصویب این قطعنامه برای امنیت ملی حیاتی است... از رئیس‌جمهور نیز می‌خواهد که اولاً رهبری یک تحریم بین‌المللی علیه ایران را برعهده بگیرد و ثانیاً از دولت‌های مشروع خاورمیانه در برابر تهدیدات ایران حمایت کند و منافع امنیت ملی آمریکا در خاورمیانه را حفظ کند.» (۵۸)

در مجموع می‌توان در مورد حمایت آیپک از گزینه تحریم به این نتایج رسید که اولاً پیگیری گزینه تحریم توسط آیپک به دنبال طرح پرونده هسته‌ای ایران در مجامع بین‌المللی با جدیت بیشتری انجام شد و آیپک آمادگی لازم برای بهره‌برداری از آن را در اختیار داشت. ثانیاً گزینه تحریم دارای طرفدارانی به ویژه در غرب بود و این مسئله برای آیپک هزینه کمتری در برداشت. ثالثاً پویایی سیاست آیپک علیه ایران مستلزم تجدید موضوع در فاصله‌های ۲ یا ۳ ساله است که بتواند علاوه بر تازگی موضوع در نهایت به یک جمع‌بندی کلی علیه ایران برسد. شاید تمرکز شدید آیپک بر موضوع تحریم در ۳ سال اخیر از آنجا ناشی می‌شود که این لابی امیدوار است ایران نیز مانند عراق پس از تحمل تحریم‌های شدید به یک پوسته توخالی و قابل شکست تبدیل شود که بتوان با یک حمله برق‌آسا آن را از پای درآورد.



نتیجه‌گیری

به ادعای بسیاری از نویسندگان، سیاستمداران و تحلیل‌گران سیاست خارجی آمریکا، صهیونیست‌ها و درصدر آنها آیپک، از قدرت نفوذ و تأثیرگذاری شگرفی در آمریکا برخوردارند. قدرت نفوذ آیپک به واسطه گستردگی این شبکه به ویژه پس از سال ۲۰۰۰ و استقرار آن در مقر کاخ سفید و برگزاری نشست‌های سالانه، بسیار محسوس‌تر است. این قدرت نفوذ، زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که لابی آیپک از آن در راستای ضربه زدن به منافع جمهوری اسلامی و متحدان آن کشور بهره می‌برد. از نکات مهم و بارز این پژوهش، بررسی دیدگاهها، اقدامات و مواضع آیپک درباره ایران در خلال کنفرانسها و نشست‌های سالانه آیپک بود. این نشست‌ها از یک منظر به صورت تریبونی برای بیان دیدگاههای رسمی صهیونیست‌های آمریکا و اسرائیل در مورد ایران عمل می‌کنند و از طرف دیگر به عنوان اتاق اعترافی برای اعتراف رهبران و مقامات آمریکا به تعهد خود در زمینه حفظ امنیت اسرائیل و صهیونیست‌ها در سراسر جهان بکار می‌روند.

در مجموع مواضع آیپک علیه جمهوری اسلامی ایران بسیار افراطی است و تا حد زیادی بر سیاستهای خارجی آمریکا نسبت به ایران تأثیرگذار بوده است. به گفته استفن والت و جان میرشایمیر، مادامی که چنین لابی‌هایی در آمریکا از قدرت نفوذ برخوردار باشند انتظار نمی‌رود که آمریکا نسبت به ایران سیاست آشتی‌جویانه‌تری را اتخاذ کند، به ویژه اینکه پس از سال ۲۰۰۰ تاکنون اقدامات و مواضع ضدایرانی این کمیته به شدت افزایش یافته است. اگرچه طرح دیدگاههایی مانند نظر والت و میرشایمیر می‌تواند تا حدی اعمال و اقدامات تخریبی صهیونیست‌ها و آیپک را روشن سازد اما تضعیف نفوذ و قدرت این سازمان‌ها نیاز به کار گسترده و اعتقاد به تضعیف آنها دارد که می‌تواند هم از داخل آمریکا صورت گیرد و هم از طرف پژوهشگران سایر نقاط دنیا که به همسویی منافع آمریکا و منافع صهیونیست‌ها اعتقاد ندارند و همیشه از این واژه دارند که صهیونیست‌ها یکبار دیگر آمریکا را وارد جنگ‌هایی مانند افغانستان و عراق کنند.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- بولتن رویداد و گزارش شماره ۳۵۷، مورخ ۱۳۸۷/۶/۳۱، مؤسسه تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی - علمی ندا.
- 2- www.jta.org (22/11/2005).
- ۳- ابراهیم رسولی، "تاثیر حادثه ۱۱ سپتامبر بر قبض و بسط مفهوم آنتی سمیتیسم"، فصلنامه مطالعات فلسطین، دوره جدید، شماره اول و دوم، بهار و تابستان ۱۳۸۷، صص ۳۵-۳۸.
- ۴- حسین بشیریه، «جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی» تهران: ۱۳۷۴ ص ۸۱-۸۰.
- ۵- نگاه کنید به: جان استیری، "نقش گروه‌های فشار در شکل‌گیری سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه؛ ترجمه حجت رسولی، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی، ج ۹.
- ۶- همان، ص ۶۰.
- 7- Allan Coigler, "interest group: Politics congressional", Quarterly, inc, 1986.p.241
- ۸- نظام شرابی، آمریکا و اعراب، ترجمه عباس عرب، ج دوم. تهران سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۵ ص ۸۵-۸۴.
- 9- Charl A Ubenberg, "Israel and American Interest", Iffinois press, Chicago 1986.p.344.
- ۱۰- مهدی کاظمیان، توضیح قدرت آپیک با الگوی دولت کورپوراتیستی، بانک اطلاعاتی مؤسسه تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی - علمی ندا (۱۳۸۲/۴/۲۵).
- ۱۱- کمیته امور عمومی آمریکا- اسرائیل (آپیک)، بانک اطلاعاتی مؤسسه تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی - علمی ندا، (۱۳۸۰/۸/۱).
- 12- www.aipac.org.
- ۱۳- کمیته امور عمومی آمریکا- اسرائیل (آپیک)، پیشین.
- 14- "The Iranian threat", AIPAC, FAQs, April, 1, 2008.
- ۱۵- بولتن رویداد و گزارش شماره ۳۵۷، مورخ (۱۳۸۷/۶/۳۱) مؤسسه تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی - علمی ندا.
- ۱۶- در این زمینه نگاه کنید به:
- www.jta.org (30/11/2005)
 - www.jta.org (13/3/2007)
 - www.jta.org (3/12/2007)
 - Near East Report, AIPAC, February 1-15, 2008
 - www.aipac.org/publications/speechesbypolicymakers/pc_08_obama.pdf.



۱۷- نگاه کنید به القدس (۲۰۰۵/۹/۲۹).

18- www.aipac.org.about-aipac.asp.

19- "Iran's Support for terrorism ", ISSUE BRIFE, AIPAC, August 14, 2007.

20- Ibid.

21- www.aipac.org (21/7/2002).

22- www.aipac.org (29/3/2002).

۲۳- شبکه عربی تلویزیون اسرائیل (۲۰۰۵/۵/۲۳).

24- "U.S. Must Do More to Prevent Nuclear-Armed Iran", MEMO, AIPAC, June 2008.

25- www.aipac.org (10/2/2004).

26- www.aipac.org (29/3/2002)

۲۷- شبکه عربی تلویزیون اسرائیل (۲۰۰۵/۵/۲۳).

۲۸- همان.

29- www.aipac.org (23/5/2005).

۳۰- جروزالیم پست (۲۰۰۶/۳/۴).

31- www.jta.org (22/11/2005).

32- www.aipac.org (5/3/2006).

33- www.aipac.org/publications/speechesbyaipacleadership/howardkoher-pc2006.pdf.

34- www.aipac.org/publications/speechesbyaipacleadership/howardkoher-pc2007.pdf.

35- Bill Summary, AIPAC, Sept. 25, 2007.

36- www.aipac.org (13/10/2008).

37- www.aipac.org/publications/speechesbypolicymakers/pc_08_rice.pdf.

38- www.aipac.org/publications/speechesbypolicymakers/pc_08_mccain.pdf.

39- www.aipac.org/publications/speechesbypolicymakers/pc_08_obama.pdf.

40- www.aipac.org (13/10/2008).

۴۱- سی.بی.اس (۲۰۰۴/۹/۱)

42- "IAEA-IRAN talks Allow Tehran to Advance Nuclear Program", MEMO, AIPAC, January 24, 2008.

۴۳- شبکه عربی تلویزیون اسرائیل (۲۰۰۵/۵/۲۳).

۴۴- جروزالیم پست (۲۰۰۶/۳/۴).

- 45-www.aipac.org/publications/speechesbyaipacleadership/howardkoher-pc2006.pdf.
- 46-www.aipac.org/publications/speechesbyaipacleadership/howardkoher-pc2007.pdf.
- 47-www.aipac.org/publications/speechesbypolicymakers/pc_08_olmert.pdf.
- 48-www.aipac.org/publications/speechesbypolicymakers/pc_08_rice.pdf.
- 49-www.aipac.org/publications/speechesbypolicymakers/pc_08_obama.pdf.
- 50- "The Iranian Treat", AIPAC, FAQs, April 1, 2008.
- ۵۱- جروزالیم پست (۲۰۰۶/۳/۴).
- 52- Near East Report, AIPAC, November 6, 2006.
- ۵۳- هآرتص (۲۰۰۷/۳/۱۳).
- 54-www.aipac.org/publications/speechesbypolicymakers/pc_08_olmert.pdf.
- 55-http://www.aipac.org/publication/AIPACAnalysismemos_sanctions_Having_Impact_on_Iran.pdf.
- 56- "IAEA-IRAN talks Allow Tehran to Advance Nuclear Program", MEMO, AIPAC, January 24, 2008.
- 57- Ibid.
- 58- "Resolution calls for Tougher Sanctions on Iran", Bill Summary , AIPAC .June 2008.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی